

مادیت یا سیل بنیادکن!

لغت «سیل بنیادکن» در نوشته‌های انتقادی نویسندگان عصر مافراوان بچشم می‌خورد و معمولاً نویسندگانی که دردهای اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهند و از یک‌قسمت از انحرافات جامعه‌ما انتقاد میکنند لغت فوق را درباره آن استعمال مینمایند مثلاً اگر کسی از آزادی بی‌قید و شرط شهوت در جامعه ما انتقاد کرده و از این بلای سمدت‌سوز بنالد و بگوید آنکه اشاعه روز افزون مشروبات الکلی را بیاد انتقاد بگیرد موضوع مورد بحث «در داسیل بنیادکن» تشبیه میکند که فضیلت و اخلاق و ملکات انسانیت را یکسره با خود برده است.

قو ذمادیت در تمام شئون مادی و معنوی

هیچگونه تردیدی نیست که دردهای اجتماعی ما روز افزون گردیده و دوش بدوش ترقیبات حیرت انگیز صنعتی هر روز یک‌بدبختی اجتماعی بسراغ ما می‌آید، کشتی اجتماع ما امروز مانند پرکاهی باز بچه دست امواج خطرناکی قرار گرفته و عنقریب است که با سر نشینان خود یکسره نیست و ناپدید گردد، مظاهر تنگین تمدن هر روز درین ما بالباسی فریبنده‌تر خود نمایی میکند و این دردها و بدبختیهای بیشمار همگی دست‌بند یکدیگر داده و در نتیجه اجتماع ما را بچنین صورت دردناکی در آورده است، اما در عین حال نباید فراموش کرد که بزرگترین بدبختی و مصیبتی که اجتماع امروز ما بدان دچار گردیده است همانا بدبختی و مصیبت مادیت میباشد؛ به عقیده نویسندگان ما آن موضوعی که بطور حقیقت میتوان لفظ «سیل بنیادکن» را درباره آن بکار برد تنها بلای مادیت است، مادیت در جهان ما درست مانند سیل بنیادکنی در تمام مجاری حیاتی و اجتماعی ب جریان افتاده و در جمیع شئون رخنه کرده است، در عصر امروز سیل مادیت آنچنان باشدت در اجتماع ما جریان دارد که بن و

بنیادهمه چیز را کنده و قویترین اساس فضیلت و کاخ معنویت را درهم کوبیده است ، اشتباه نشود ؛ منظور ما از مادیت تنها ثروت و مال نیست بلکه منظور جمیع شئون مادی است که بشر برای رسیدن بآن اینهمه فعالیت و تلاش میکند ، دنیای ما امروز تمام فعالیت و تلاشهای بهت آور خود را روی جمع ثروت ، تهیه وسائل خوشگذرانی ، افزودن بر حجم بدن ، رسیدن بشهوات ؛ بدست آوردن مقام و ریاست ؛ جهانگیری و حکومت مطلق العنان پیدا نمودن بر ربع مسکونی جهان و امثال آن صرف مینماید و خلاصه این اشرف مخلوقات (بشر) در عصر امروز برای هیچ چیز جز شئون مادیت ارزش و مفهومی قائل نیست .

مادیت یا پشتوانه علم و دانش !

مادیت در اجتماع امروز بشر پر ارزش ترین موضوعی است که پشتوانه همه چیز و منجمله علم و دانش گردیده است ؛ امروز ارزش هر فضیلت و دانشی روی نفع مادی آن حساب میشود ، در عصر ما شما کمتر دانشجویی را میتوانید بیابید که تنها برای خدا و خدمت با اجتماع و یا برای ارزش واقعی علم و دانش سراغ آن رفته و برای بدست آوردن آن کوشش نماید اگر در کشوری يك جنبش مهم علمی هم پدید آید باز بحساب نفع مادی آنست اگر دانشکده و دانشگاهی هم در مملکتی بنیاد شود باز برای رسیدن بآمال مادی است در جهان ما آن رشته از علم و دانش که زودتر و بهتر بتواند صاحب خود را در زندگی مادی موفق و بی نیاز کرده و خواسته های حیوانی او را سریع تر انجام دهد خواستاران آن زیادتر و دلباختگان آن بیشترند و بدبختانه باید اعتراف نمود که در زندگی بشر متدین مادیت پشتوانه علم و دانش گردیده و جای او را از نظر اراج و ارزش اشغال نموده است .

فضیلت و اخلاق در سایه مادیت !

خواننده عزیز ؛ بدبختانه فضیلت و اخلاق هم در عصر ما بسر نوشت علم و دانش دچار گردیده و در اجتماع امروز ارزش واقعی خود را از دست داده است ، در جهان ما اگر کسی بدنبال يك فضیلت اخلاقی برود و بخواهد يك خوی انسانی را در خود زنده نماید برای آنست که راه و رسم زندگی با مردم را بهتر یاد گرفته و بانفوذ در دیگران بوسیله اخلاق پسندیده و صفات شایسته مزودتر بتواند بآرزو و آمال مادی خود لباس عمل بپوشاند ، آن قسمت از فضیلت و اخلاق که در راه رسیدن به هدفهای مادی نتواند کمکی بصاحب خود بنماید در جامعه ما طالبی نداشته و کمتر کسی سراغ آن میرود يك شاهد زنده و غیر قابل انکار بر این عقیده اینست که کتابهاییکه از طرف دانشمندان اخلاق و روان در قسمت های اخلاقی و روانی در جهان ما

نوشته میشود بطوراکثر در آن قسمت از امور اخلاقی است که بتواند موفقیت در امور مادی را برای صاحبان خود ترویج نماید و این موضوع از اسم بعضی از کتابهاییکه در این باره نوشته شده است - هم بعبوی پیدا است مانند «راز موفقیت پاره توانگر شدن» بقلم ناپلیون هیل آمریکائی و «اسرار کامیابی» بقلم س. ا. ماردن آمریکائی و «آئین دوست یابی» بقلم دیل کارنگی آمریکائی و «آئین زندگی» بقلم نامبرده و امثال آن ، پس اگر در دنیای روز کسی بدنبال کسب فضیلت و اخلاق شایسته هم میرود باز برای آنست که از آن فضیلت بفتح مادی خود بهره بردارد نه بدانجهت است که فضیلت و اخلاق ارزش واقعی داشته و هراسانی باید برای کسب آن حداکثر کوشش را بنماید .

ازدواج هم وسیله تجارت شده است !

ازدواج که يك امر حیاتی و مقدس اجتماعی است و حتماً باید از هر گونه بازیگری و هوسرانی بدور باشد بدبختانه در عصر ما بسر نوشت شومی دچار گردیده است ، در دنیای روز ازدواج يك وسیله مهم تجارت و پسران و دختران جوان بصورت يك کالای تجارتي درآمده اند ، در اجتماع ما پسران و دخترانی که دارای ثروت کافی و زندگی مرفه و یاتنها دارای صورتی زیبا و دل فریب باشند مشتریان فراوان داشته و خواستگاران بی شماری دارند اگر پسر و یادختری ثروتمند بود دیگر کسی از روش اخلاقی آنها نمیپرسند ، از پاکدامنی و یا ناپاکی آنها سخن بمیان نمیآورد زیرا ثروت و مادیت در دیده اکثریت جبران کننده هر ناپاکی و پوشاننده هر عیب و نقص است بدبخت آن دختر و پسری که در اجتماع امروز ماتنها اندوخته اش پاکدامنی و عفت بوده ولی دستش از ثروت این جهان تهی باشد زیرا این چنین نمونه افرادی باید تا آخرین ساعت عمر خود در گوشه های منازل با تیره بختی بسر برده و زندگی خود را بهمین صورت بگذرانند ، شگفتا ! با آنهمه پافشاری و اصراری که دین مقدس اسلام درباره این امر حیاتی (ازدواج) نموده و توجه پسران و دختران را یکسره از ثروت و مال و زیبایی و مقام خانوادگی و خلاصه جمیع شئون مادی قطع کرده و در بستر نظر اصلی آنانرا بفضیلت و عفت و پاکدامنی جلب نموده است ولی متأسفانه چگونه شد که مسیر اجتماع ما در اینباده یکسره عوض شده و اکثر مردم درست در عکس مسیر اسلام قدم برداشته و از هدف اصلی دین فاصله گرفته اند ! ! ! .

رخنه مادیت در شئون مذهب و دین !

متأسفانه ارزش مادیت در دیده اکثریت بدرجه ای است که حتی در دستگاه مذهبی هم این هیولای مخوف سایه افکننده و در شئون دینی هم این سیل بنیانکن رخنه نموده است

یعنی بشر امروز بذهب و دین هم باعینک مادیت نگاه کرده و ارزش آنرا در سایه مادیت میدانند در جهان ما بنظر اکثریت افراد دین از آن نظر ارزش دارد که میتواند امنیت ایجاد کند ، صلح و صفا بیاورد جلو تجاوزات و جنایات را بگیرد ، سلامتی قوای بدن و اعصاب کمک کند و خلاصه زندگی مادی را لذت بخش سازد ، درد نیای روزاگر یک گوینده مذهبی بخواهد عظمت یک موضوع و باقانون دینی را بیان کند ناچار باید فقط فوائد مادی آنرا تشریح نماید که مثلاً روزه برای بدن چه فوائدی را دارد ، در ایجاد سلامتی و صحت بدن تا چه درجه مؤثر است ؛ در نظر اکثریت امروز معنویت و فضیلت «مانند همه چیز» از ارزش واقعی خود افتاده و یکسره جای خود را بادیات داده است؛ در عصر ما برای جلب توجه اکثریت مردم بشئون مذهبی ناچار باید از گفتن معنویات دم فرو بست و قوانین مذهبی را تنها از دریچه مادیات و فوائد اجتماعی آن بجامه نشان داد تا افراد مردم با تهر یک شدن حس نفع طلبی و خواست غریزه های حیوانی خود سراغ آن بیایند ، آری با دیدن این روش و وضع اسف انگیز است که ناچار باید اعتراف نمود که بحقیقت مادیت همان سیل بنیان کنی است که بن و بنیاد هر فضیلت را از ریشه بدر آورده است ، مادیت همان موضوع پر ارزشی است که در اجتماع ما پشتوانه فضیلت و اخلاق ، علم و دانش ، مذهب و دین ، روحانیت و معنویت و خلاصه پشتوانه همه چیز گردیده است .

رختخانه مادیت در افکار دانشمندان !

ممکن است عده از خوانندگان تصور کنند که این بدبختی یعنی فقط توجه بادیات در بین بشر آهسته آهسته ریشه کن شده و زمره لزوم ایجاد حس فضیلت و اخلاق و معنویت و روحانیت در بین دانشمندان بزرگ جهان شروع گردیده است امروز عده ای از دانشمندان بزرگ با تمام قوا بجنک با این بلای سعادت کش برخاسته و دنیای ما شینسیم روز را متهم ساخته اند که «معنویت را در برابر مادیت قربانی کرده است» مانند دکتر الکسیس کارل که در کتاب «انسان موجود نا شناخته» خود مینویسد «افزایش شماره اختراعات میکانیکی فایده ای در بر ندارد و شاید اکتشافات فیزیکی و شیمیایی و نجومی نیز آنقدرها قابل نباشد ، مسلم است که علم مستقیماً و فی حد نفسه برای ما زیان بخش نیست ولی وقتیکه بازیبایی غیره کننده خود تمام فعالیت فکری ما را در موارد غیر زنده محصور میکند مضر میگردد ، بشریت باید امروز توجهش را بسوی خود و بر روی علل ضعفهای اخلاقی و فکری خویش متمرکز سازد ، افزایش وسائل راحت و تجمل و زیبایی و عظمت و تلون تمدن اگر توانای اداره آنرا نداشته باشیم بچه کار ما میآید ؛ ادامه شراطمی از زندگی که سبب ضعف پایه اخلاقی و افتای عوامل اصیل نژادهای بزرگ میگردد حاصلی ندارد ، بهتر است بجای اینکه تلسکوپهای بزرگ برای مطالعه کهکشانها و کشتی های سریع اقیانوس پیما و اتومبیلهای راحت و رادیو های ارزان

بسا زیم بیشتر بخود بیردازیم ، اگر بتوانیم با هوایما مثلاً در چند ساعت از اروپا بچین برسیم کدام ترقی حقیقی نصیب ما شده است ؟ علوم میکانیک، شیمی ؛ فیزیک نمیتوانند برای آدمی موخید اخلاق و هوش و سلامت و تعادل عصبی و امنیت و صلح گردند ، بایستی کنجکلوی مارا دبگری جو آنکه اکنون در پیش دارد بر گزیند و توجه خود را از فیزیک و فیزیولوژی بسوی روان و معنی معطوف سازد .

و همچنین مودیس مترلینک فیلسوف بلژیکی در کتاب « مورچگان » ضمن آنکه میگوید که تمدن و اخلاق مورچه خیلی بزرگتر از تمدن و اخلاق نوع بشر است - چنین مینگارد که « بدون اخلاق نیکو تمدن معنی ندارد و لولاینکه افراد متمدن بقدری در علوم و صنایع ترقی کنند که بتوانند بدون هیچ آسیب بکره خورشید بروند و از آنجا صحیح و سالم مراجعت کنند » این دو اعتراف از دو دانشمند نامبرده نمونه از تحول فکری عده از دانشمندان بزرگ روز است که میخواهند یک سد دفاعی بزرگ در سایه روحانیت و معنویت ، فضیلت و اخلاق در برابر سیل بنیانکن مادیت ایجاد کرده و نسل بشر را از این بلای موحش نجات ببخشند .

این خلاصه آن تصویری است که ممکن است عده از خوانندگان پر اطلاع ما بنمایند اما نویسنده باین موضوع صریحاً اعتراف دارد که سعادت بشریت در دنیای روز بقدری بیرنگاه سقوط نزدیک گردیده که وحشت و اضطراب عجیبی در بین عده ای از افراد بیدار ایجاد کرده است و در نتیجه زمزمه لزوم رفتن بدنیال فضیلت و اخلاق و معنویت در دنیای مادی ما بلند شده و ضروری بودن آن برای زندگی هر جامعه و ملتی مسلم گردیده است اما نباید فراموش کرد که متأسفانه اگر در لای بلای سخن و نوشته های همین دانشمندان دقت شود بخوبی ثابت میگردد که اگر آنها هم دم از لزوم اخلاق و فضیلت و معنویت میزنند باز بهمان حساب است که بشر بتواند در سایه آن زندگی بی دردسری را بگذراند ، بتواند از نعمتهای مادی بهره کافی بردارد ، بتواند در محیط صلح و صفا بسربرد پس اگر عده ای از دانشمندان روز هم دم از عفت و پاکدامنی و یا فضیلت و ملکات انسانیت میزنند نه از نظر ارزش واقعی آنهاست بلکه بدانجهت است که بقول مودیس مترلینک « بدون اخلاق نیکو تمدن معنی ندارد » و یا بقول دکتور کارل برای آنست که « اگر مادارای اخلاق و فضیلت نباشیم وسائل روز افزون راحت و تجمل و زیبائی و عظمت و تلون تمدن بکار ما نمیآید » اینجا است که باید صریحاً این حقیقت تلخ را پذیرفت که سیل مادیت هزاران فرسنگ قافله بشریت را از مسیر اصلی آنها منحرف ساخته و از توجه بیک قسمت مهم از وظائف انسانیت که همانا معنویت و فضیلت و اخلاق است یکباره آنها را غافل گردانده است و خلاصه بقول انیشتین (۱) « زندگی اجتماعی امروز بشر بزندگی حیوانات اجتماعی شبیه است » .

(۱) « دنیا ای که من میبینم ». ترجمه فریدون سالکی .